



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۴۰۲

بررسی حقوق شهود در نظام حقوق کیفری ایران با چشم انداز به دیوان کیفری بین المللی

امین امیریان فارسانی^۱، زینب بنی اسدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

چکیده

شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا یا سریع ترین امکان دسترسی به ادله در نظام های حقوقی شناخته می شود که ادای آن در مراحل مختلف دادرسی نمود همکاری شهروندان و اجتماع با مجریان عدالت کیفری در دست یابی به حقیقت است. بی شک کشف حقیقت به همان اندازه که بزه دیدگان و شاکیان را به اجرای عدالت امیدوار می سازد، متهمان و بزه کاران را خشمگین و حس انتقام جویی را در آنان برمی انگیزد. همین انتقام جویی از شهود به دلیل ادای شهادت توسط مرتکبین جرایم، حمایت از شهود را ضروری می سازد. در این راستا، با اتخاذ شیوه های حمایتی مختلف به ویژه تدابیر پیشگیرانه قبل و در جریان دادرسی و حتی بعد از آن می توان از شهود حمایت نمود. شهود نیز در فرایند دادرسی دارای حقوقی هستند که می بایست در تقابل با حقوق سایر اشخاص دخیل در پرونده مدنظر قرار بگیرد. پژوهش حاضر بررسی اقدامات تدبیر شده و حقوق شاهد در نظام حقوقی ایران با نگاهی مختصر به رویه دیوان کیفری بین المللی که حمایت مالی، امنیت روانی و امنیت جسمانی شاهد از جمله ساز و کارهای تدبیر شده جهت ترغیب شهود به همکاری با دستگاه عدالت کیفری را ذکر و در این راستا از اقداماتی مانند کتمان هویت شهود، حفاظت فیزیکی از شهود، تکریم، تغییر شغل و محل اسکان و جبران خسارات وارده به شاهد بهره می برند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این گونه ساز و کارهای پیشگیرانه با نگاهی بر حقوق آنان می پردازد.

واژگان کلیدی: حقوق شهود، حفاظت، امنیت شهود، ساز و کارهای پیشگیری، دیوان کیفری بین المللی، حقوق کیفری ایران

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی (نویسنده مسئول) amirian.amin@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

مقدمه

شهادت شهود در تمامی نظام های حقوقی از این جهت که به کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه کمک می نماید، از ادله اثبات دعوی محسوب می شود، مورد توجه قرار گرفته است. شاهد فرد بی طرف در دعوی می باشد و صرفاً در جهت روشن شدن زوایای پنهان مساله ای که شاهدان بوده است، اقدام می نماید. به همین علت، موضوع حفاظت از امنیت شهود و حقوق وی مهم محسوب می شود. بررسی و تطبیق قوانین داخلی در این زمینه با دیوان کیفری بین المللی کمک شایانی به رفع نواقص احتمالی و ارتقای مسائل حقوق بشری خواهد نمود. بخصوص در رسیدگی به جرایم مهم یا جرایمی که تنها شهود آنان، اشخاص آسیب پذیر مانند اطفال یا افراد دارای کهولت سن یا معلول می باشند، ضروری است تا شهود به نظام عدالت کیفری اعتماد کامل داشته باشند، به آنان این اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدمات احتمالی وارده از ناحیه اعضای گروه بزهکار، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. ترس از تهدیدات مکرر در ایجاد خطرات جسمی و روحی که به طور مستقیم موجب عدم رغبت شهود به همکاری با دستگاه قضایی می گردد. (مهدوی زرگر و اختر شهر، ۱۳۹۵: ۲).

شهود هم مانند سایر اشخاص دخیل در پرونده دارای حقوقی هستند که رعایت این حقوق موجب ایجاد رغبت و تمایل به ادای شهادت خواهد شد. حمایت از شاهد، مجموعه اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روان شناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرآیند دادرسی به کار می بندد. البته، این امر ممکن است با انتقاداتی همراه باشد. در نگاه اول، اجرای برخی از برنامه ها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت بیش از حد از وی در تعارض جدی با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود و یا جرح و تعدیل شهود و یا اصل تساوی سلاح ها در رسیدگی قرار می گیرد. امری که در عمل از طریق توسل به اقداماتی خاص می توان آن را به حداقل رسانیده و جهات دادرسی عادلانه را تا حدودی تضمین نمود و از یک سو، در حالی که همه افراد وظیفه مدنی دارند که در صورت نیاز نظام عدالت کیفری به عنوان شاهد شهادت صادقانه بدهند، از سوی دیگر دولت ها موظفند با ارائه راهکارهایی خاص از شهود در برابر قرار گرفتن در معرض مداخلات ناروا محافظت کنند. این تحقیق به بحث و بررسی تطبیقی حقوق و امنیت شهود و حفاظت از آن و سازو کارهای پیشگیری و موانع و چالش ها در نظام حقوقی ایران و رویه دادرسی حاکم بر دیوان کیفری بین المللی می پردازد. در بسیاری از موارد، شهود ارتباط نزدیکی با مجرمان دارند، گاهی اوقات درگیر فعالیت های مجرمانه هستند و بنابراین، اغلب خودشان تحت تعقیب یا مجازات قرار می گیرند. این دسته اغلب به عنوان همکاران شناخته می شوند. با توجه به ابعاد فراملیتی انواع مختلف جرائم جدی، از جمله جرائم سازمان یافته و جرائم مرتبط به تروریسم، حفاظت از شاهدان و همکاران عدالت و افراد نزدیک به آنها، گاهی اوقات تنها

می تواند به طور مؤثر در خارج از مرزهای ملی تضمین شود. بنابراین، توسعه بیشتر همکاری های بین المللی به موضوعی تبدیل شده است که نیاز به توجه فوری دارد. لذا، در این پژوهش با توجه به چالش های بیان شده، به این مهم می پردازد که در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین المللی چه سازوکارهایی برای حفاظت از حقوق و امنیت شاهد پیش بینی شده است.

همکاری شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به شمار می رود؛ اغلب موارد بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه ی وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده اند، دست یابی به واقع امکان پذیر نمی باشد. همین نقش خطیر و ارزنده شهود، آنان را در خطر انتقام جویی و سلب آسایش و امنیت به ویژه از سوی مجرمان قرار می دهد؛ زیرا بزهکاران به منظور فرار از دست قانون و اجرای عدالت به هر شیوه ای، ولو به قتل رساندن شهود و یا خانواده آن ها، متوسل می شوند. به منظور تشویق شهود در همکاری با جریان قانون، می توان حمایت های چندی که ارتباط خاصی با تهدید شهود توسط بزهکاران ندارد مانند پرداخت هزینه رفت و آمد آن ها به دادگاه یا جبران خسارات احتمالی آن ها و پرداخت غرامت و اعاده به وضع سابق را نیز مورد توجه قرار داد. در نتیجه این حمایت ها، نه تنها میل و رغبت شاهد برای همکاری با دستگاه های پلیسی - قضایی تقویت می شود، بلکه در پس اثبات بسیاری از این جرایم، به حفظ حاکمیت قانون و ایجاد نظم در جامعه نیز کمک شایانی می شود.

براساس آموزهای اسلامی و منابع فقهی، هر چند ادای شهادت واجب می باشد، ولی با توجه به قاعده لاضرر و در صورت وجود عسر و حرج که از قواعد معتبر فقهی می باشد، شهود در صورت وجود ضرر و آسیب می تواند از ادای شهادت خودداری کنند، زیرا وجوب ادای شهادت از عهده شهود برداشته می شود. همچنین، در آیه ۲۸۲ سوره بقره بیان شده و تأکید گردیده که نباید به شاهد ضرری برسد.^۳ قانونگذار نیز با توجه به اهمیت شهادت در راستای اثبات جرائم و برای اجرای بهتر عدالت و مختل نشدن اجرا و ادای شهادت راهکارهای حمایت جانی، مالی و حیثیتی را در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه اجرائی حمایت از شهود و مطلعان تدبیر نموده است. سازوکارهای حمایت کیفری از شهود در قوانین ایران کمرنگ می باشد. بیشتر مبتنی بر پیشگیری وضعی می باشد. حتی در بحث پیشگیری وضعی نیز ابتکار عمل در دست قضات و بنابر سلیقه آنان می باشد. لذا تدوین و اجرای درست آن توسط مجریان قانون حمایت موثر و مفید از شهود را رقم خواهد زد. قانون گذار ایران، در راستای حمایت روحی و روانی از شهود، همراهی با آنان تعیین مشاور، دسته بندی جرائم و الویت بندی در ارائه خدمات حفاظتی و حمایتی به شهود رویه مشخص و روشنی را مقرر نموده

^۳ آیات و روایات متعددی در مورد ضرورت ادای شهادت وارد شده است که اگر وجوب ادای شهادت را از آنها استنباط نکنیم، حداقل می توان به مهم و مؤکد بودن آن در نزد شارع پی برد. از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد. «شهادت را کتمان نکنید و هر کس آن را کتمان کند قلبش گناهکار است» (سوره بقره/۲۸۳) و یا در آیه ۲۸۲ سوره بقره که خداوند می فرماید: «و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید از شهادت خودداری کنند.»

است. در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر رعایت و تضمین حقوق شاهد به عنوان یکی از اشخاص درگیر در فرآیند دادرسی کیفری تأکید شده است و ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی^۴ به تأمین امنیت جانی به عنوان حق شهروندی تصریح نموده است. حمایت‌ها شامل اتخاذ تدابیری از قبیل امکان تحقیقات به صورت الکترونیکی، عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم، عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد و مطلع، استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور، آموزش برای حفاظت سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنها، حمایت‌های مالی و... می‌باشد. اصولاً هویت شاهد برای متهم شناخته شده می‌باشد؛ اما ممکن است بنا به دلایلی شاهد از مواجهه ضروری با متهم ترس و یا اضطراب داشته باشد؛ برای کاهش این ترس و اضطراب، می‌توان به شیوه‌هایی همچون اخذ شهادت خارج از دادگاه، خارج کردن متهم از دادگاه، ایجاد مانع بین شاهد و متهم، شهادت از طریق تلویزیون‌های مدار بسته، تغییر صدا و تصویر، وجود یک واسطه برای رد و بدل کردن صحبت‌های شاهد و متهم و ارائه خلاصه‌ای از مطالب متوسل شد. پژوهشگران در این مساله به موضوعاتی از جمله امکان جبران خسارت از شاهد و اعاده به وضع سابق، حمایت‌های روانی از آنان، عدم امکان تعقیب کیفری شهود، تعیین مجازات برای تهدید کنندگان شهود همانگونه که در قوانین حاکم بر دیوان مورد توجه قرار گرفته است، کمتر پرداخته اند که در این تحقیق سعی بر آن شده است. و حال سوال این است که کدام اقدامات پیشگیرانه در جهت تأمین حقوق و امنیت شهود در نظام حقوقی ایران در تطبیق با رویه حاکم بر دیوان کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته است؟

۱- حقوق شاهد در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی

از جمله مباحث مهمی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد حقوق شاهد می‌باشد. شهادت شهود دلیلی است که معمولاً به درخواست اشخاص و یا تشخیص قاضی، مورد استناد قرار می‌گیرد. در قوانین ایران، مواد ۱۳۹ تا ۱۵۶ قوانین موقتی محاکمات جزایی مصوب ۱۱ شهریور ماه ۱۲۹۰ ه.ش به موضوع «در احضار شهود تحقیق و مطلعین و استنطاق آنان» و مواد ۲۴۳ تا ۲۴۹ و ۳۲۳ تا ۳۲۵ به موضوع شهادت در محکمه اختصاص یافته بود. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۵).

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸ شهریور ماه ۱۳۷۸ که ناسخ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ در دادگاه‌های عمومی بود، در مواد ۱۴۸ تا ۱۷۲ و مواد ۱۹۶ تا ۲۰۴، به موضوع شهادت شهود و مطلعان می‌پرداخت. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۸).

^۴ ماده ۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود».

^۵ ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی: هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضائی شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد.

تکلیف وضع قوانین و مقررات در مورد شهود در نظام حقوقی داخلی، به موجب بند ۲ سیاست های کلی نظام در امور قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام رهبری، «نظام مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاه ها» از تکالیف قوه قضاییه تعیین شد. در سال ۱۳۸۲، هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۶/۸۸ ک مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۶ نهاد ریاست جمهوری و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی «برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» را تصویب نمود که به موجب بند ۲ آن «به منظور پیشگیری از بروز فساد در کلیه دستگاهها، سازمان های دولتی و عمومی و موسسات و سازمان های وابسته به آنها و ارتقای سلامت در نظام اداری و اجرای کشور، کلیه دستگاه های مشمول این برنامه»، موظف شده بودند، لوایح مندرج در این بند را برای تسری، اصلاح یا اطلاق قوانین انجام و ظرف یک سال پس از ابلاغ این برنامه به هیئت وزیران ارائه نمایند. به موجب شق «ح» این بند وزارت اطلاعات مکلف به تهیه «لایحه حمایت از مخبران و شهود» شده بود. در سال ۱۳۸۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید. به موجب بند «ج» ماده ۱۳۰ این قانون، قوه قضاییه مکلف به تدوین «لایحه حمایت از شهود و متهمین» شد (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۹).

در هنگام تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری جدید، در خصوص تدوین لایحه جداگانه برای حمایت از شهود و یا درج مقررات حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری، اختلاف نظر بود. استدلال طرفداران اعمال مقررات حمایت از شهود در لایحه آیین دادرسی کیفری آن بود که در کشور های دارای حقوق نوشته، مشخص می شود که این کشورها، عمدتاً جایگاه اصلی بحث حقوق متهمان و شهود را همگی در قوانین آیین دادرسی دانسته اند. لذا با توجه به اینکه ایران جزء نظام های حقوق نوشته و دارای قانون مستقل آیین دادرسی است، شایسته است حمایت ها و حقوق تمامی افراد دیگر در فرایند کیفری، در این قانون ذکر شود و نیازی به تدوین لایحه جداگانه نیست.

در مقابل عده ای بر این باور بودند که با توجه به تکلیف مندرج در قانون برنامه چهارم، لایحه حمایت از شهود و متهمان، باید جداگانه تدوین شود و به این تکلیف قانونی، عمل شود. همچنین موضوع حمایت از شهود، امروزه چنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که قانون آیین دادرسی کیفری که صرفاً ضوابط ناظر بر فرایند دادرسی و حقوق و تکالیف اصحاب دعوا را مشخص می کند، نمی تواند پوشش دهنده تمام ابعاد موضوع باشد. لذا تدوین لایحه جداگانه برای حمایت از شهود ضرورت دارد (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۹).

^۶ وزارت اطلاعات، در این راستا لایحه ای با ۱۲ ماده و ۳ تبصره تهیه نمود که به مجلس شورای اسلامی ارسال نگردید.
^۷ در فرانسه نیز، از مواد ۵۷-۷۰۶ تا ۶۲-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری به بحث حمایت از شهود پرداخته شده است؛ اما در کشور های تابع سیستم کامن لا، مانند آمریکا، کانادا، انگلستان، استرالیا از آنجا که قانونی به نام قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد، قوانین مستقلی به نام قانون حمایت از شهود را تصویب کرده اند.

در نهایت طبق نظر گروه اول در تدوین این مقررات اعمال و موضوعات مربوط به حمایت از شهود و مطلعان، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در قوه قضاییه تدوین شد.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۶ به رعایت و تضمین حقوق شاهد بعنوان یکی از اشخاص درگیر در فرایند کیفری تاکید شده است. و در مواد بعدی، از ماده ۲۱۴ تا ۲۱۶ تحت عنوان «احضار و تحقیق از شهود مطلعان» حمایت هایی از شهود و مطلعان به عمل آمده است. برخی از حقوق شاهد را مورد قانون گذاری قرار داده است.

همچنین مواد ۲۰۱، ۲۰۰، ۹۷، ۹۱، ۶۶، ۶۵، ۶۳، ۴۰، ۷، ۶. که به صورت پراکنده در بخش های مختلف قانون مذکور، حقوق و حمایت هایی را می توان یافت که برخی به صورت صریح، موردی و برخی به صورت ضمنی و کلی اشاره به حقوق و حمایت های شهود و مطلعان دارند.

همچنین آیین نامه موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان "آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان" در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۶ بر اساس پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و از این تاریخ لازم الاجرا اعلام شده است. در اجرای تبصره یک ماده ۲۱۴ ق.ا.د.ک و تبصره ۲ آیین نامه اجرائی حمایت از شهود و مطلعان، واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان در حوزه های قضائی زیر نظر رئیس دادگستری تشکیل می گردد.

در مقررات حاکم بر دیوان کیفری بین المللی که از حقوق کامن لائو عمدتاً انگلستان گرفته شده است نیز بحث حقوق شاهد مد نظر قرار گرفته است. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که در سال ۲۰۰۲ اجرائی گردیده است در بند ۶ ماده ۴۳ اساسنامه دیوان، مواردی از حقوق شاهد را ذکر و در بند ۱ ماده ۵۴ ماده ۶۸ اساسنامه مذکور نیز بر حقوق شاهد و حمایت از او تاکید نموده است. واحد قربانیان و شهود که وظیفه حمایت و حفاظت از شهود را دارد، اقدامات مناسب را در این خصوص بر عهده دارد. اینکه قانونگذار ایرانی چه حقوقی را برای شاهد مقرر داشته و ارزیابی انطباقی این حقوق با رویه حاکم بر دیوان کیفری بین المللی چه نتایجی را به دست میدهد موضوع پژوهش حاضر در این فصل است.

۱-۱- حق شهود بر اطلاع و آگاهی از حقوق قانونی

با آگاه کردن شاهد از حقوق قانونی خود و فرآیندی که پیش رو دارد و سلسله مراتبی که با آنها در ارتباط خواهد بود و یا نهادهایی که می توانند به او کمک کنند و هر نوع تغییر در جریان پرونده، می تواند به آمادگی

۸ تبصره ۱ ماده ۲۱۴ ق.ا.د.ک: «در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ میکند. ترتیبات این امر به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.»

ذهنی شهود برای ورود به سیستم عدالت کیفری کمک کند. این آمادگی ذهنی می‌تواند، اضطراب شاهد، به‌ویژه اگر هیچ‌گاه گذر وی به مراجع قضایی نیفتاده باشد را کاهش دهد.

دیوان کیفری بین‌المللی به حقوق شهود از ابتدا تا انتهای دادرسی و حتی قبل از شروع دادرسی و بعد از ادای شهادت توجه داشته است. نهاد دادستانی ملزم خواهد بود از همان ابتدا که شهود، جرم یا واقعه‌ای را گزارش می‌دهند، توضیحاتی درباره اینکه چگونه می‌خواهد با موضوع برخورد کند و اینکه موضوع تا چه مدت به انجام خواهد رسید و اینکه شاهد از چه حقوقی برخوردار است را ارائه دهد. طبق a(۲) ماده ۱۶ ائین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، مدیر دفتر، باید شهود را از حقوق‌شان مطلع نماید. و واحد قربانیان و شهود نیز وظیفه اطلاع‌رسانی به شهود را بر عهده دارد. در این نهاد بعد از ارائه اطلاعات لازم برای راهنمایی شهود، نهادهای حمایتی را، به‌عنوان راهنمایی بیشتر معرفی می‌کند. در قانون ائین دادرسی کیفری، به‌طور موردی و جزئی، به این امر اشاره نشده است؛ بلکه فقط در ۲ ماده قانون مذکور از آن سخن به میان آمده است. یکی ارائه احضاریه به شهود برای اطلاع آنها از زمان و مکان برگزاری جلسه دادگاه و دیگری ماده ۶ قانون مذکور که آگاه کردن شهود از حقوق خود در فرآیند دادرسی را بطور کلی ذکر نموده است. در آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان نیز که در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسیده، اگرچه طبق ماده ۲ این آیین‌نامه، واحدی به نام واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان برای انجام امور مقرر در آیین‌نامه تأسیس شده است. اما راهنمایی و مشاوره و اطلاع‌رسانی به شهود جزء امور مقرر در این آیین‌نامه و وظایف این نهاد ذکر نشده است.

۱-۲- حق مشاوره حقوقی

اعلام جرم و درخواست تعقیب متهمان در زمره حقوق شهود به شمار می‌آید لکن استفاده از هر حقی ممکن است آثاری تکلیفی برای دیگران نیز داشته باشد بعنوان مثال هر چند انتفاع یک حق است، لیکن به سبب آن برای اشخاص مسئولیت‌ها و عواقبی نیز به دنبال آن حق می‌آید. بدین دلیل شاهد حق دارد از حقوق خود و آثار مترتب بر آن آگاه گردد. در این زمینه ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار داشته: "... شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود." هر چند این ماده دارای حکمی کلی است اما در این مورد می‌توانیم با تفسیری موسع آگاه‌سازی شهود توسط نهادهای کیفری از جمله واحد پیشگیری از جرم دادستانی‌های سراسر کشور و واحد حمایت از امنیت و شهود مطلعان و همچنین آموزش کیفیت اجرای این حق به مردم را در زمره مقررات ماده حاضر به شمار آوریم.

در رویه قضایی، فعلی مفاد اخطاریه تعیین وقت حضور برای استماع شهادت شهود در امر کیفری که از طریق سامانه ابلاغ الکترونیک یا به صورت فیزیکی ارسال می‌گردد. در حالی که وجود آگاهی خصوصاً اگر دارای

ماده ۶ ق.ا.د.ک: متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

پشتوانه قانونی باشد، از موجبات تسهیل ادای شهادت و تقویت نقش شاهد در فرایند کیفری است. حق برخورداری از مشاور حقوقی و یا تعیین و دسترسی به آن در قوانین فعلی نظام حقوقی ایران مورد توجه واقع نشده است.

اظهارات شهود معرفی شده توسط شاکی یا دادستان نقش بسیار مهمی در اثبات اتهام دارد. از آنجا که ممکن است شاهد در بیان حقایق و پاسخگویی به سؤالاتی که در دادگاه از او پرسیده می شود دچار مشکل گردد و نتواند مطالب خود را به نحو مناسب بیان کند، طی فرایندی که در نظام دادرسی اتهامی پیش بینی گردیده است نماینده دادستان یا وکیل شاکی در خلال مرحله تعقیب و رسیدگی، جلسه یا جلساتی را به منظور آماده ساختن شاهد برای ادای شهادت برگزار میکند و در آن دلایل شاهد مورد بررسی قرار میگیرد و وی با چگونگی طرح سؤالات در دادگاه آشنا میشود. واحد قربانیان و شهود کمک های تخصصی دیگری هم به شهود و قربانیانی که در برابر دادگاه حاضر می شوند ارائه می دهد؛ مانند اینکه به شهود توصیه می کند به منظور حفاظت از حقوقشان، خصوصا در ارتباط با شهادتی که ارائه می دهند، مشاوره حقوقی دریافت نمایند. به شهود، هنگامی که برای ادای شهادت در برابر دیوان فراخوانده می شوند، کمک می نماید.

دو رویکرد متفاوت نسبت به فرایند آماده سازی شهود برای محاکمه وجود دارد: رویکرد اول فرایند آشناسازی است که به وسیله آن شهود با سایر شرکت کنندگان در دادگاه و نقش ایشان، جایگاه شاهد در رسیدگی و نیز فرایند ادای شهادت به طور کلی آشنا می گردند. در رویکرد دوم نسبت به فرایند آماده سازی به شاهد اجازه داده می شود که اظهارات پیشین خود را که به مأموران کاشف جرم ارائه کرده است مرور نماید تا حافظه وی عملکرد بهتری داشته باشد. ممکن است در طی این فرایند به دادستان و یا طرف دیگر دعوا که شهادی را دعوت کرده است اجازه داده شود که سؤالاتی که در هنگام ادای شهادت در جلسه دادگاه از شاهد خواهد پرسید را در طی جلسات آماده سازی به وی ارائه نماید. هر چند که چنین حقی در دادگاه های کیفری بین المللی پذیرفته شده است. در قوانین حاکم بر دیوان چنین صراحتی وجود ندارد و لیکن دیوان حسب ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی می تواند در مواردی که قوانین حاکم بر آن ساکت است، از اصول حقوقی دادگاه های جهان استفاده نماید و اما دیوان در رویه همواره سعی نموده تا در این خصوص، پیرو عملکرد دادگاه های کیفری بین المللی دیگر نباشد. از این رو دیوان تلاش نموده که هرگونه شک و شبهه از امکان القای شهادت به شاهد را از فرایند ادای شهادت در دیوان بزدايد و در راستای پایه گذاری رویه قضایی خاص

<http://lup.lub.lu.se/op.cit>

رضوی فرد، بهزاد و فقیه محمدی، حسن. (۱۳۹۰). رویکرد دیوان کیفری بین المللی در قبال فرایند آماده سازی شهود. دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲(۴)، ۶۱ - ۳۷.

۱۱

خود قدم بردارد. هر چند که بنظر می رسد با فرایند آشنا سازی شهود مخالفتی ندارد. و مخالف آماده سازی شهود می باشد.

با شهود باید به گونه‌ای رفتار شود که حقوق و شأن آنها ایجاب می نماید. ارزش شهود در تعقیب موفقیت آمیز مجرمین جرائم شدید مندرج در اساسنامه ICC اساسی است اما همیشه این خطر وجود دارد که به آنها به عنوان ابزار در فرآیند نگریده شود. این امر ممکن است به رفتار غیر منصفانه مثلاً "پرسش و پاسخ متقابل" به صورت مکرر یا آزمایشات پزشکی تهاجمی در قبال شهود منتهی گردد. رفتار منصفانه یعنی این که با شهود به گونه‌ای رفتار شود که اساساً آنها را افرادی شایسته شأن و منزلت دانسته و از حقوق آنها حفاظت گردد. مقررره مربوط به مشاوره و خدمات حقوقی کافی می تواند در حفاظت از شهود در برابر رفتار غیر منصفانه، از مرحله اولیه و حتی پیش از این که موافقت نمایند به عنوان شهود به کار گرفته شوند، کارآمد باشد.^{۱۲}

در b(۱) ۱۷ ائین دادرسی و ادله دیوان بر حق برخورداری از مشاوره حقوقی درخصوص ادای شهادت با هدف حمایت از حقوق فردی شاهد در فرایند دادرسی در نظر گرفته است. که در نظام حقوقی ایران چنین حقی پیش بینی نگردیده است در حالی که قاعدتاً در جرائم سازمان یافته و مهم حضور مشاور حقوقی در کنار شاهد می تواند مورد توجه قرار گیرد. ماده (۶) ۴۳ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی^{۳۲} تأسیس واحد بزه دیدگان و شهود را مدنظر داشته است. از جمله وظایف این واحد، کمک به شهود هنگامی که برای ادای شهادت فراخوانده می شوند. همچنین توصیه به آنان، در مورد چگونگی دریافت مشاوره حقوقی برای حفاظت از حقوق خود، می باشد.^{۱۴}

۱-۳- حق سکوت شاهد

تفهم حق سکوت به شاهد قبل از شروع دادرسی، از ناحیه ی باز پرس یا قاضی، به عنوان یک تکلیف قانونی می باشد. حق مزبور بایستی به شاهد تفهیم و در صورت استنکاف شاهد از ادای شهادت یا سکوت او در قبال اظهارات مقام قضائی، بدون اینکه شاهد را به ادای شهادت و یا پاسخگویی به سؤالات مطرح شده اجبار نمایند، سکوت وی را در صورت جلسه درج نمایند و از این رو، «حق سکوت» آنها را محترم بشمارند.

^{۱۲} Antonio Cassese, Paola Gaeta, John R. W. D. Jones, op.cit, p1359

^{۱۳} «مدیر دبیرخانه، واحد بزه دیدگان و شهود را در دبیرخانه تأسیس خواهد کرد. این واحد در مشورت با دادسرا، اقدامات حفاظتی و ترتیبات امنیتی، مشاوره حقوقی و سایر مساعدت های مناسب دیگر را برای شهود و بزه دیدگانی که در برابر دیوان حضور می یابند و سایر افرادی که به علت ادای شهادت از جانب شهود در مخاطره قرار می گیرند، فراهم می آورد. این واحد متشکل از پرسنل دارای تخصص در صدمات روحی، من جمله صدمات روحی مربوط به جرایم خشونت جنسی خواهد بود.»

^{۱۴} قاعده ۱۷ آیین دادرسی و ادله در مقام بیان عملکردهای واحد بزه دیدگان و شهود، وظایف زیر را، بر عهده واحد مزبور نهاده است: ... « ۱. ارائه نصیحت به شهود برای بهره گیری از مشاوره حقوقی به منظور حفاظت از حقوق خودشان، بویژه در ارتباط با دای شهادت ایشان. ۲. یاری رسانی به آنان به هنگامی که برای ادای شهادت در برابر دیوان فراخوانده می شوند. ۳. اتخاذ تدابیری با رویکرد حساس نسبت به مسائل جنسی، جهت تسهیل نمودن ادای شهادت برای بزه دیدگان خشونت جنسی در تمامی مراحل فرایند رسیدگی ... »

رعایت و تضمین حق سکوت نسبت به شاهد، در نظام حقوقی ایران به سکوت برگزار گردیده است. این در حالی است که در ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری، از حقوق مسلم متهم به شمار می‌رود، طبق ماده ۱۹۷: متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضاء اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود. مقام قضایی حتی در مورد متهم هم، مکلف به تفهیم این حق نمی‌باشد و فقط در صورتی که متهم از حق سکوت خود استفاده نماید، سکوت وی محترم شمرده شده و در صورت مجلس قید می‌شود. با این وجود، در مورد شاهد، در عمل با توجه به صراحت اصل ۳۸ قانون اساسی مبنی بر ممنوع بودن اجبار اشخاص به ادای شهادت و قابل مجازات دانستن ناقضین این اصل، شاهد دارای حق سکوت بوده و می‌تواند از دادن پاسخ امتناع نمایند و امتناع آنها در هیچ یک از قوانین داخلی جرم انگاری نگردیده است. چرا که شهادت تحصیل شده از راه اکراه، اجبار و حيله و فریب که خدشه بر آزادی فکر شاهد وارد سازد، باطل و فاقد اثر حقوقی است.

برخی از نویسندگان، امتناع از ادای شهادت را، پس از احضار وی نزد مقامات قضایی، کتمان شهادت تلقی کرده و مرتکب این فعل را از نظر شرعی قابل مجازات دانسته‌اند. اگر سکوت شاهد را مخفی کردن ادله جرم بدانیم، مضمول ماده ۵۵۴ ق.م.ا.ت.عزیرات و قابل مجازات است البته به نظر می‌رسد این ماده مضمول کتمان شهادت نگردد. و شاهد می‌تواند از حق خود مبنی بر سکوت استفاده نماید و حسب ماده ۲۰۹ ق.ا.د. ک تفهیم کتمان شهادت به شاهد در قانون ما فاقد ضمانت اجرای کیفری می‌باشد. در این ماده آمده است: بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند...؛ در قانون، مجازاتی برای کتمان شهادت پیش بینی نشده است و آنچه قابل مجازات شناخته شده، ادای شهادت دروغ، آن هم در دادگاه است. همچنین در ماده ۳۲۲ ق.ا.د. ک آمده است: دادگاه پیش از شروع به تحقیق از شاهد، حرمت و مجازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌نماید.

در قوانین حاکم بر دیوان کیفری بین المللی، حسب ماده ۶۵ آئین دادرسی و ادله، حضور شاهد نزد دیوان اختیاری بوده و شخص برای حضور الزام نمی‌شود. اما اگر با اختیار خود برای ادای شهادت حاضر شد باید سوگند یاد کند که شهادتی که خواهد داد حقیقت دارد. شهادت کذب موجب مجازات است. در هر حال شهادتی که نزد دیوان حاضر می‌شود، توسط دیوان برای ادای شهادت مجبور می‌شود مگر اینکه در اساسنامه یا آئین دادرسی طور دیگری مقرر شده باشد از قبیل ادای شهادت موجب مجرم قلمداد نمودن وی از طریق شهادتش شود و یا موردی که شخص با شهادت اعضای خانواده اش مجرم قلمداد می‌شود. طبق ماده ۷۰ اساسنامه دیوان در صورتی که شاهد با وجود ادای سوگند برای بیان حقیقت به موجب ماده ۶۹، شهادت کذب بدهد تا پنج سال حبس محکوم نماید. با توجه به مطالب فوق، شاهد همانند متهم دارای حق سکوت می‌باشد و مقام قضایی نمی‌تواند شاهد را ملزم و مجبور به ادای شهادت نماید؛ زیرا سکوت حق قانونی و مسلم او است و مقامات قضائی باید حقوق دفاعی شاهد را، به ویژه حق سکوت او را تفهیم و تضمین کند.

۱-۴- حق حضور شاهد

شاهد در خصوص حضور نزد محکمه جهت ادای شهادت می بایست ازادانه و مختار عمل کند. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، به گونه ای طراحی شده است که دولت های عضو، الزامی به حاضر نمودن شهود نزد دیوان ندارند، صرفا در فرضی که شاهد تمایل به حضور داشته باشد، مکلف به رعایت تضمیناتی هستند. وقتی شهادی بر مبنای رضایت خود در دیوان حاضر می شود، مکلف به ادای شهادت است، مگر این که در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله به ویژه مواد ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ به نحو دیگری مقرر شده باشد. شهادت های موضوع این مواد از جمله شامل اظهارات افرادی نظیر پزشک، روانپزشک، وکیل مدافع یا روحانی مذهبی است که نوعی رابطه شغلی یا عاطفی میان آنها با متهم بوده است و لذا باید اصول حرفه ای مراعات شود، یا شامل شهادت مقامات کمیته بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر است که محرمانه بوده و افشا نمی گردند. بدین ترتیب در مرحله تحقیقات، دادستان شهادت کلیه شهودی را که تمایل به ادای شهادت دارند، به طور مستقیم یا توسط کشورهای عضو، اخذ و نگهداری می نماید. در این مرحله، کلیه اصول ناظر بر ادله که در اساسنامه دیوان به ویژه در ماده ۶۹، همچنین در آیین دادرسی و ادله آمده است، باید مراعات شوند. از جمله شاهد باید قبل از ادای شهادت در خصوص واقعیت داشتن گواهی خود سوگند یاد کند. ادای شهادت نیز می تواند به نحو شفاهی یا به صورت ضبط شده در وسایل سمعی و بصری و یا به صورت ارائه اسناد و دست نوشت ها باشد. البته چنین ترتیباتی نباید مغایر با حقوق متهم باشد (صابر، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

در نظام حقوقی ایران حسب تبصره یک ماده ۲۰۴ و مواد ۱۲۷ و ۳۲۰ ق.ا.د.ک چنانچه شاهد و یا مطلع بدون عذر موجه نزد محکمه حاضر نشوند، با وجود شرایطی جلب می شوند. در حالی که حتی پس از جلب، امکان اجبار آنان به ادای شهادت وجود ندارد و حال معلوم نیست که حضور اجباری آنان در نزد محکمه، چه عوایدی دارد. هر چند که عده ای از حقوقدانان معتقدند حضور اجباری آنان در جهت تحکم و پیروی از دستورات قضائی می باشد اما عملا متناقض با حق ازادی شهود می باشد. لذا به نظر می رسد نظام حقوقی ما همسو با نهادهای حقوق بشری در جهت حضور ارادی و ازادانه شاهد نزد مقام قضائی، که به عدالت نزدیک تر و موجب همکاری شهود با دستگاه عدالت قضائی خواهد گردید.

۱-۵- حق شهروندی و عدم نقض حریم خصوصی

شهادی که زمان خود را برای عدالت گستری صرف کرده است، انتظار برخوردی مناسب از عوامل اجرای عدالت دارد. رفتار با شاهد یا بزه دیده باید با احترام بسیار بالایی صورت گیرد و این گونه تصور شود که آنان مهمانان مقدسی هستند

(Gautav Gupta, 2001:6).

برخورد مناسب با شهود در تمامی مراحل دادرسی، می تواند باعث آرامش روانی آنها و ایجاد تمایل برای همکاری با عوامل نظام دادرسی کیفری شود.

در رویه حاکم بردیوان کیفری بین المللی یکی از مواردی که بر آن تأکید شده نوع برخورد با شهود می باشد. عدم برخورد عادلانه و محترمانه با شهود در بند ۱ ماده ۷۰ اساسنامه جرم انگاری گردیده است و در صورت انجام اقدامات تلافی جویانه به دلیل ادای شهادت علیه شهود، تا پنج سال حبس محکوم نماید. و در ماده ۶۸ بند اول صراحتاً به حق خلوت شهود اشاره نموده است و قائل به حریم خصوصی شهود گردیده است. در بند ۵ ماده ۸۸ ائین دادرسی و ادله دیوان نیز شعبه باید در جهت جلوگیری از نقض حریم خصوصی شاهد نحوه پرسش از شاهد را کنترل نماید. باید با شهود، عادلانه، محترمانه و مطابق با نیازهایشان و فارغ از تنوع جنسیتی و فرهنگی نژاد، مذهب، سابقه، سن و هر ناتوانی دیگری رفتار شود.

همچنین به کمک های مناسب و خدمات ویژه اشاره شده است تا دستیابی برای شهود به حقوق شهروندی تأمین شود. به همین ترتیب به چگونگی برخورد با شهود اشاره نموده است.

در منشور حقوق شهروندی در چندین ماده به حق کرامت و برابری انسانی و مصونیت حیثیت و اعتبار شهروندان از تعرض، توهین و تحقیر تأکید شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز، اگرچه در قسمت مربوط به شهود و مطلعان، به طور خاص به چگونگی رفتار با آنها اشاره نشده است؛ اما در قسمت کلیات این قانون، ماده ۷ به طور عام مقرر داشته است که تمام مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، باید در تمام مراحل دادرسی کیفری، حقوق شهروندی مقرر در قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» را رعایت نمایند. در بند ۴ این قانون، بر رفتار مناسب و توأم با اخلاق و موازین اسلامی با اصحاب دعوا و مطلعان، تأکید شده است. نمونه هایی از رویه قضایی در رعایت کرامت شهود می توان به نحوه حضور مقامات به عنوان شاهد در دادگاه اشاره کرد. رویه در این خصوص بدین صورت است که به منظور حفظ حیثیت و شأن مقام فرماندار و دیگر مقاماتی که قانونگذار رسیدگی به اتهامات آنان را در مراجع قضایی متفاوتی در نظر داشته، احضار و جلب آنان به عنوان شاهد از طرف مرجع قضایی محل مقدر نخواهد بود (مجموعه نشست های قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری ۱، ۱۳۸۷، ص ۶۰۹، نشست قضایی دادگستری نکا، بهمن ۸۵).

همانگونه که ملاحظه می شود، مقررات دیوان برخلاف قانون آ.د.ک که فقط در یک ماده آنهم به طور کلی به داشتن رفتار مناسب با همه مراجعین به دستگاه عدالت اشاره کرده است، در چندین مورد اشاره و حتی نقض آن را در مواردی جرم انگاری نموده است. که این می تواند نشانگر اهمیت موضوع در دیوان باشد. در رویه قضایی دیوان نیز به جهت اهمیت احترام به شهود، دادگاهها وی را ملزم و مجبور به حضور جهت ادای شهادت نمی کنند و وی را از کلیه حقوق و امتیازات بزه دیده برخوردار می سازند (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷).

با توجه به اینکه رفتار ناصحیح و غیر محترمانه و یا بی توجهی به شاهد، ممکن است باعث منصرف شدن او از ادامه همکاری با نظام عدالت کیفری شود، داشتن رفتار مناسب، غیر از اینکه از حقوق اساسی و انسانی شاهد محسوب می شود، می تواند در ایجاد اشتیاق و رغبت برای ادامه همکاری، موثر باشد.

در طول مدتی که شهود برای ارائه شهادت به سیستم عدالت کیفری رفت و آمد دارند ممکن است برخی اطلاعات خصوصی مربوط به شهود (مانند داشتن سابقه کیفری، داشتن بیماری یا مشکل خاص و ...) فاش و یا خود شهود برای ارائه شهادت به نحو بهتر ناچار به ارائه برخی اطلاعات شخصی خود (مثل مشکل شنوایی، بی سواد بودن و...) باشند. درحالی که ممکن است این اطلاعات را جزء اسرار و حریم خصوصی خود بدانند و از اطلاع یافتن دیگران نسبت به آن گریزان باشند. (فرهادی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹) بنابراین برای ایجاد آسودگی روانی در شهود، باید به آنها این اطمینان را داد که حریم خصوصی آنها محفوظ خواهد ماند. دیوان کیفری به این امر توجه داشته و اطلاعات خصوصی مربوط به آنان را محرمانه نگه داشته و فاش نمی نماید.

در قانون ایران، می توان تحت شمول قواعد کلی، شهود را از محفوظ ماندن اسرارشان آسوده خاطر کرد. ماده ۳۹ منشور حقوق شهروندی مقرر می دارد: "حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آنها که نزد دستگاهها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصراً، در اختیار آنها قرار می گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آنها را افشاء کند" مواد ۴ و ۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و بند ۱۱ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳^۲ و مهم ترین آنها ماده ۹۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می تواند از جمله مقرراتی باشد که به این امر پرداخته است. ماده ۹۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر می دارد: "... کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشاء اسرار شغلی و حرفه ای محکوم می شوند."

۱-۶- حق استنکاف از امضای صورت مجلس

شاهد می تواند آنچه را که شهادت داده است امضا نکند و مقام قضائی حق اجبار او را ندارد. ماده ۲۱۲ ق.ا.د.ک اشعار داشته: "اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می شود سپس متن آن قرائت می گردد و به امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می رسد و چنانچه از امضاء یا اثر انگشت امتناع یا از ادای شهادت خودداری ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می شود."

هرچند حق امتناع از امضای اوراق تحقیق برای شاهد پذیرفته شده است، ولی قانونگذار در مورد ارزش صورت مجلس های امضا نشده، صراحتی ندارد و صورت مجلس امضا نشده، اصولاً صورت مجلس نیست؛ به طوری که در ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی مقرر شده: ... سند مزبور در صورتی که دارای امضا یا مهر طرف باشد عادی است» سند باید دارای امضا یا مهر باشد، بنابراین ضرورت داشت که قانونگذار تکلیف را در این خصوص مشخص می نمود.

رویه دیوان کیفری بین المللی در این خصوص ساکت است هر چند که حسب قواعد حاکم و حضور ازادانه و اختیاری شاهد نزد دیوان به نظر مصداق نمی نماید و لیکن در رویه قضائی حاکم بر ایران مورد نظر قرار گرفته است.

۱-۷- حق استنکاف از اتیان سوگند

شاهد مجبور نیست قبل از ادای شهادت، سوگند بخورد حسب ماده ۲۱۰ ق.ا.د.ک: شاهد و مطلع پیش از اظهار اطلاعات خود به این شرح سوگند یاد نمایند: به خداوند متعال سوگند یاد می کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام حقایق را بیان نمایم.

ماده ۳۲۳ قانون مذکور: شاهد پیش از ادای شهادت باید به شرح زیر سوگند یاد نمایند: به خداوند متعال سوگند یاد می کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم.

تبصره: در مواردی که احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند شهادت وی استماع می شود. ظاهر ماده این است که شاهد ملزم است قبل از ادای شهادت سوگند یاد کند و اگر سوگند یاد نکرد حسب تبصره بازهم شهادت او معتبر است. این دیدگاه با اصل ۳۸ قانون اساسی مبنی بر ممنوعیت اجبار اشخاص به سوگند مطابقت دارد. هر چند که بنظرمی رسد صدر ماده و تبصره آن با هم در تعارض است. برخی معتقدند الزام صدر ماده، مربوط به شهادتی است که دادگاه به عنوان دلیل شرعی به آن استناد کند و شهادت مقرر در تبصره ماده به عنوان یک دلیل عرفی ارزش اماره قضایی دارد.^{۱۵} به هر حال با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی، هیچ مقامی حق ندارد شخصی را ملزم به ادای سوگند نماید و قوانین عادی هم نمی توانند مغایر با قانون اساسی باشند.

در رویه دیوان کیفری بین المللی شاهدی که ازادانه نزد دیوان حاضر می گردد حسب بند ۱ ماده ۶۹ اساسنامه دیوان، مطابق با ماده ۶۶ آئین دادرسی و ادله دیوان، قبل از ادای شهادت این تعهد رسمی را بر عهده می گیرد: "من رسماً اعلام می دارم که حقیقت را بگویم، تمام حقیقت و نه چیز دیگر جز حقیقت."

در دو مورد زیر دیوان قائل به تعهد رسمی (اتیان سوگند) نمی باشد، مورد اول در خصوص اشخاص زیر ۱۸ سال و دوم کسی که بنظر شعبه ماهیت تعهد رسمی را نمی فهمد.^{۱۶} در این دو مورد بدون تعهد رسمی شهادت پذیرفته می شود به شرطی که شعبه تشخیص دهد شخص قادر به بیان موضوعاتی که به آنها علم دارد می باشد و شخص مفهوم وظیفه بیان حقیقت را می فهمد.

با توجه به اینکه حسب ماده ۱۷۷ ق.م.ا یکی از شرایط شهود بلوغ در زمان ادای شهادت می باشد و شهادت

زراعت، عباس؛ حاجی زاده، حمیدرضا (۱۳۸۸)، *ادله اثبات دعوا*، کاشان: نشر قانونمدا^{۱۵}

بند ۲ ماده ۶۶ آئین دادرسی و ادله دیوان: به هر شخص زیر ۱۸ سال و کسی که به نظر شعبه، ماهیت تعهد رسمی را نمی فهمد، بدون تعهد رسمی اجازه شهادت داده می شود.^{۱۶}

اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال نیز پذیرفته می شود^{۱۷} و ممکن است که این اشخاص حرمت اتیان سوگند را درک نکنند به نظر می رسد که در این خصوص رویه دیوان مناسب می باشد.

۱-۸- حق بر خورداری از مترجم

یکی از خواسته‌های شهود این است که بدون هیچ گونه مانعی با دنیای پیرامون خود ارتباط مؤثری برقرار نمایند. نخستین شرط برای تحقق چنین ارتباط مؤثری فهم زبان حاکم بر جلسه است. اگر شاهد با زبان حاکم بر جلسه بیگانه باشد و یا به دلیل مشکلات جسمی نتواند با محیط حاکم بر جلسه ارتباط برقرار کند، نظام عدالت کیفری در جهت تأمین آرامش و رضایت خاطر شاهد مؤثر عمل نموده است.

نیاز به مترجم برای افراد لال یا ناشنوا یا افرادی که به دلیل پایین بودن سطح سواد یا آشنا نبودن با زبان مورد استفاده در دادگاه و یا هر دلیل دیگری، متوجه سخنان طرف مقابل نمی‌شوند و نیاز است شخصی مطالب را برای آنها روشن و تفهیم کند، هماهنگ کردن تاریخ رسیدگی و استماع شهادت با زبان شهود و سپس ترجمه آن و ترجمه سوالاتی که از شاهد پرسیده می شود، فراهم کردن امکان نشستن در سالن عمومی دادگاه برای شهود نا آشنا به زبان، فراهم کردن امکان شکایت در صورت وقوع جرم علیه آنان از حقوق شاهد می باشد.

طبق بند آخر ماده ۱۹ آئین دادرسی و ادله دیوان بین المللی کیفری واحد قربانیان و شهود مترجم در این جهت است استخدام می کند. مترجمان دیوان حسب بند ۲ ماده ۶ آئین دادرسی و ادله دیوان تعهد رسمی بر وفا داری، بی طرفی و رعایت کامل راز داری را می نمایند. و بیان شده که: "شما هر زبان یا هر نیاز ارتباطی که داشته باشید، دادستان یک مترجم معتبر برای شما فراهم خواهد کرد." در اساسنامه دیوان پرداخت هزینه مترجم حسب ماده ۱۰۰ اساسنامه دیوان بر عهده دادگاه می باشد. همچنین این امر در بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پیش بینی شده است. طبق این ماده: "شهود باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا بهره ببرند." مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی‌ها از اشخاص به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می کند، صورت گیرد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ به تعیین مترجم اشاره شده است. برای حمایت و ترغیب شهود و جلوگیری از اتلاف وقت آنها و به منظور کاهش انتظارهای غیرضروری، در تعیین زمان رسیدگی، همه افراد درگیر در پرونده، سعی خواهند کرد تا تاریخی را که شهود برای ارائه شهادت و حضور در دادگاه، درخواست کرده اند، حاضر گردند. مترجم رسمی و یا مترجم مورد وثوق دادگاه بایستی اتیان سوگند مبنی بر رعایت راستگویی و امانت داری نماید و لیکن اگر اتیان سوگند را نپذیرفت باز هم ترجمه وی پذیرفته می شود. در نظام حقوقی ایران

ماده ۱۷۷ ق.م.ا: شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد: الف) بلوغ^{۱۷}

شریعت باقری، محمد جواد، اسناد دیوان کیفری بین المللی، ۱۳۸۶، چاپ اول، تهران، نشر جنگل، جاودانه، ۷۹

معلوم نیست که پرداخت هزینه مترجم رسمی و یا خبره بر عهده چه کسی است و اگر هزینه آن پرداخت نشود مترجم برای شاهد تعیین می شود یا خیر.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی های انجام شده، تهدید شهود و مطلعان از زمان وقوع جرم شروع و مراحل دادرسی و پس از آن را دربرمی گیرد. لذا با توجه به گستره تهدید در تمامی مراحل فوق، لزوم حمایت از شهود ضرورت می یابد و سیاست جنایی نظام های حقوقی در همه ابعاد، اعم از تقنینی، قضایی، اجرایی و پلیسی به این معضل بایستی عکس العمل نشان دهند. هر چند که تدابیر امنیتی بر حقوق متهم تأثیر می گذارد و ممکن است به صورت بالقوه بر حق برخورداری از محاکمه عادلانه و بیطرفانه تأثیر بگذارد اما این امر کمک می کند که اصلی ترین حق شاهد و آنچه بعنوان تحول اساسی حقوق شاهد یاد می شود و تضييع شده است. ترمیم، و خسارت تا آنجا که ممکن است تمامی آثار و نتایج فعل نامشروع را از بین برده و وضعیت را به حالت اولیه اعاده نماید و برای عدم تکرار جرم تضمین های کافی ارائه دهد.

در رویه قضایی ایران، به علت عدم تقسیم بندی و تعیین جرائم در زمان ادای شهادت عملاً با مشکل کمبود هزینه و نیروی محافظ مواجه می گردد. فلذا بسیاری از شهود به لحاظ عدم حمایت قانونی حاضر نیستند، خود و خانواده هایشان را برای همکاری با نظام عدالت کیفری در مخاطره قرار دهند. حتی با وجود تشویق و ترغیب اخلاقی به ادای شهادت و کمک به اجرای عدالت در متون دینی و اخلاقی، شهود و مطلعان امنیت خود را به این تشویق ها ترجیح می دهند. موارد ذکر شده در قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، که در راستای حمایت و حفاظت از آن ها وضع شده است؛ منسجم و سازمان یافته نمی باشد.

قانون گذار ایران موارد بسیاری از تکالیف در فرایند دادرسی کیفری را، متوجه شهود و مطلعان نموده است مانند الزام به حضور و جلب در صورت عدم حضور، اما متأسفانه در مورد تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی و در امان نگه داشتن آن ها از تهدید و انتقام، اگرچه تدابیر پیشگیرانه ای را در قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، تصویب نموده است اما بیشتر این تدابیر فاقد ضمانت اجرای مناسب بوده و حتی به مرحله اجرا در نمی آید. رویه قضایی ایران، به علت فقدان ساز و کارهای لازم برای اجرای برنامه های حمایتی، تراکم کار، فقدان نیروی آموزش دیده و متخصص در زمینه حمایت از شهود و مطلعان، عدم تخصیص بودجه کافی در این زمینه و صلاحدید قاضی مربوطه عملاً با عدم اجرای این قوانین مواجه است. هیچ تضمینی برای اینکه جان و مال و حیثیت شاهد و مطلع در امان باشد، وجود ندارد و معمولاً گفته می شود در رویه های قضایی، برای شهود و مطلعان اتفاقی نمی افتد.

در ایران، با توجه به امکانات موجود و بودجه تخصیص یافته و همچنین شرایط فعلی دستگاه های قضایی، حمایت از شهود و مطلعان، بسیار دشوار است و قانون گذاری های انجام گرفته در این راستا، با واقعیت های موجود،

فاصله بسیار زیادی دارد. قانون گذاری باید صریح ، منجز و بدون ابهام باشد ، به گونه ای که کم سواد ترین افراد حقوقی و نخبگان حقوقی از آن یک برداشت داشته باشند و به اشخاص اجازه تفسیر و برداشت متفاوت ندهد. بنابراین می بایست مواد قانونی پیرامون حمایت از شهود و مطلعان در همه موارد صراحتاً تبیین گردد. حال با توجه به اهمیت حمایت از شهود و مطلعان و تاثیر مخرب عدم حمایت از آن ها بر نظام عدالت کیفری و جامعه ، با مطالعه رویه حاکم بر دیوان کیفری بین المللی، و نیز به منظور کاستن از خلأهای موجود نظام سیاست جنایی ایران، با توجه به اینکه موادی در راستای حمایت از شهود وضع شده است اما این واکنش ها منسجم و سازمان یافته نبوده و عملاً این تدابیر در مرحله اجرا فاقد قدرت اجرایی و دچار ضعف است.

فهرست منابع

- ۱) آخوندی، محمود. (۱۳۸۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: مجلد. ج ۲
 - ۲) آخوندی، محمود. (۱۳۸۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: مجلد. ج ۴
 - ۳) آخوندی، محمود. (۱۳۸۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: مجلد. ج ۵
 - ۴) اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان. ج ۲
 - ۵) آشوری، محمد. (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. تهران: سمت. ج ۱
 - ۶) آشوری، محمد. (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. تهران: سمت. ج ۲
 - ۷) انصاری، ولی الله. (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی. تهران: سمت. چاپ ۲
 - ۸) باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۴). حمایت از شهود (در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین المللی). تهران: خرسندی
 - ۹) بکاریا، سزار. (۱۳۸۵). رساله جرایم و مجازات ها. مترجم: اردبیلی، محمد علی. تهران: میزان. چاپ پنجم
 - ۱۰) تدین، عباس. (۱۳۹۴). قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه. تهران: خرسندی. چاپ ۲
 - ۱۱) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۳). دایره المعارف علوم قضایی. تهران: گنج دانش. جلد ۱
 - ۱۲) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۲). دانشنامه حقوقی. تهران: موسسه امیر کبیر. جلد ۵
 - ۱۳) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، ج ۲. چاپ
 - ۱۴) خالقی، علی. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش. ج ۱. چاپ ۳۱
 - ۱۵) خالقی، علی. (۱۳۹۵). نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش. چاپ ۷
 - ۱۶) دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد. (۱۳۸۸). بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده های کیفری مربوط به جرایم سازمان یافته. تهران: روزنامه رسمی. چاپ ۱
 - ۱۷) دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران. جلد ۹
 - ۱۸) دیانی، عبدالرسول. (۱۳۸۷). ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری. تهران: میزان
 - ۱۹) رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). بزه دیده شناسی حمایتی. تهران: دادگستر. چاپ ۲
 - ۲۰) زراعت، عباس و حاجی زاده، حمید. (۱۳۹۰). ادله اثبات دعوا. تهران: قانون مدار. چاپ دوم
- ۲) انگلیسی

1. Cassese Antonio, Paola Gaeta, John R. W. D. Jones, The Rome Statute of The International Criminal Court: A Commentary, Volume II, Oxford University Press, NewYork, 2002
- 2- Mahony Chris, The Justice Sector Afterthought: Witness Protection In Africa, institute for security studies, south Africa,